

روزنامه

□ اخبار صحنه

### سیاست‌های مدون و برنامه‌های مشترک

شورای سیاستگزاری روز جهانی تئاتر با حضور مدیران نمایشی نهادهای مرتبط با تئاتر از این پس برای شکوفایی و اعتنلای تئاتر کشور در طول سال برنامه‌ریزی خواهند کرد. به گزارش سایت ایران‌تئاتر محمد خزاعی مسئول شورای هماهنگی روز جهانی تئاتر ضمن اعلام این خبر به تشریح نحوه همکاری نهادهای مختلف با مرکز هنرهای نمایشی برنامه‌های هفته بزرگداشت روز جهانی تئاتر پرداخت. وی شعار «تئاتر برای همه» را شعار اصلی هفته بزرگداشت روز جهانی تئاتر عنوان کرده و افزود: «با این شعار به فراگیر شدن هنر نمایش در سراسر کشور خدمت می‌کنیم.» محمد خزاعی با اشاره به اینکه نشست نهادهای مرتبط با تئاتر امسال برای نخستین بار در سال‌های پس از انقلاب به بهانه روز جهانی تئاتر تشکیل شد، درباره نتایج مثبت این حرکت گفت: «این نهادها سال‌ها در زمینه تئاتر به صورت مجزا فعالیت کرده‌اند و هرگز مجالی برای تبادل نظر و افکار در میان آنان به وجود نیامده بود. برای اولین بار به پیشنهاد رئیس مرکز هنرهای نمایشی، حسین پارسایی، درصدد هماهنگ کردن این نهادها برآمدیم. به این ترتیب نامه‌نگاری‌هایی انجام شد و سازمان‌ها از این ایده استقبال کردند. اولین جلسه هم به بهانه هفته بزرگداشت روز جهانی تئاتر تشکیل شد. با ادامه نشست‌های این شورا قرار است به سیاست‌های مدون و برنامه مشترک در جهت شکوفایی و اعتلای تئاتر کشور دست یابیم. اعضای شورای هماهنگی

شامل کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، حوزه هنری سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران، گروه‌های آموزشی دانشگاه‌های تئاتر و انجمن نمایشی‌های سراسر کشور، خانه تئاتر و صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران به خصوص شبکه‌های یک، دو، چهار و پنج هستند.» وی در تشریح نتایج به دست آمده در شورای هماهنگی گفت: «علاوه بر این که روز جهانی تئاتر به هفته بزرگداشت روز جهانی تئاتر در این شورا تبدیل شد، در همین راستا بخشنامه‌هایی نیز از سوی مرکز هنرهای نمایشی و دیگر مراکز چون حوزه و کانون برای استان‌ها ارسال شد تا شورای هماهنگی در استان‌ها نیز شکل گرفته و مراسم ویژه‌ای در سطح آن شهرستان برای هنرمندان برگزار شود. هر کدام از نهادهای جزئیات برنامه‌های خود را به زودی اعلام خواهند کرد و در نهایت ۱۶ اردیبهشت‌ماه ساعت ۱۹/۳۰ آئین اختتامیه هفته تئاتر در تالار وحدت برگزار می‌شود.»

وی ابراز امیدواری کرد که طی ماه آینده نماینده آموزش و پرورش نیز در این شورا شرکت کند تا در سطح مدارس برنامه‌ریزی وسیعی برای تئاتر انجام شود و بتوان حرکتی ریشه‌ای در آموزش تئاتر در بین نسل جدید انجام داد. بنا بر گزارش هر کدام از نهادها برنامه‌های خود را اعلام کرده یا می‌کنند. در نهایت ۱۶ اردیبهشت‌ماه ساعت ۱۹/۳۰ آئین اختتام این هفته در تالار وحدت برپا خواهد شد. تمام برنامه‌های خانه تئاتر در خانه هنرمندان برگزار می‌شود. همچنین دانشکده‌های هنری سراسر تهران، فرهنگسرای تهران و خانه فرهنگ فدک، مجموعه تئاترشهر، تماشاخانه مهر، حوزه هنری و پارک لاله به خصوص مرکز تولید تئاتر کانون پرورش فکری نیز میزبان مهمانان خود در این ایام خواهند بود و هر کدام از نهادها مراسم تجلیل از چهره‌های معروف خود را نیز خواهند داشت.

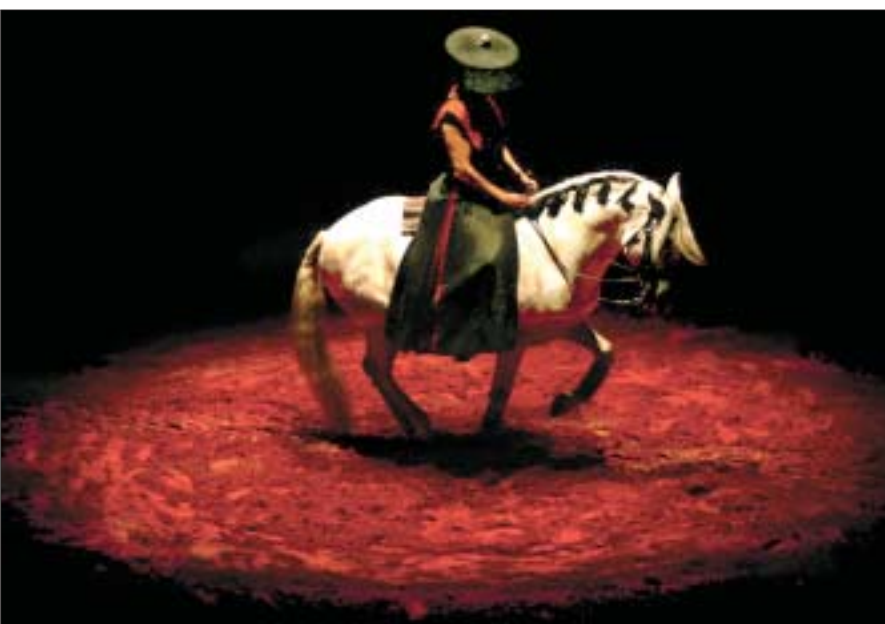
مسئول شورای هماهنگی روز جهانی تئاتر از همکاری گسترده صدا و سیما در پوشش برنامه‌های این هفته خبر داد و افزود: «شبکه چهار سیما جدا از تیزر و زیرنویس تبلیغاتی برنامه ویژه‌ای برای هفته بزرگداشت تئاتر تدارک دیده که اینک در حال تولید است و کار تهیه‌کنندگی و کارگردانی آن را وحید ساکت انجام می‌دهد. علاوه براین برنامه‌هایی چون مجله تئاتر، پرتو و نگارستان ویژه برنامه‌های برای این ایام خواهند داشت. شبکه دو نیز جدا از بخش‌های تبلیغاتی مثل زیرنویس و غیره در برنامه چاروش به این تعطیله» که ویژه گروه سنی کودک است، در محوطه تئاترشهر برنامه زنده خواهد داشت. همچنین شبکه یک با مجله فرهنگی هنری و شبکه پنج در برنامه صبح بخیر تهران، در شهر و با پخش زیرنویس و تیزر این هفته را پوشش می‌دهند. رادیو، شبکه خبر و باشگاه خبرنگاران جوان هم مجموعه برنامه‌های این هفته را پوشش داده و حضور ویژه‌ای در مراسم خواهند داشت. قسمتی از تبلیغات سطح شهر مثل نصب پلبیلورها هم با همکاری شهرداری انجام شده است. «کانون پرورش فکری و شهرداری با اعزام تریلی نمایشی به مناطق زلزله‌زده لرستان روز جهانی تئاتر را طبق اقدامی نمادین برگزار خواهند کرد. مسئول شورای هماهنگی روز جهانی تئاتر در این خصوص توضیح داد: «احساس کردم که شاید در این مناطق زلزله‌زده برگزاری مراسم این هفته مشکل است به این دلیل تریلی نمایشی به اجرای نمایش‌های عروسکی در این مناطق می‌پردازد.»وی درباره بودجه این مراسم گسترده تصریح کرد: «هر یک از سازمان‌ها برای خود برنامه و بودجه دارند. در کنار آن اداره کل هنرهای نمایشی و سازمان فرهنگی هنری شهرداری حمایت‌های خود را نیز انجام می‌دهند. کمک و همیاری نهادهای به یکدیگر باعث تقسیم بودجه‌ها شده و مراسم این هفته با حداقل هزینه برگزار می‌شود.»وی در پایان این همیاری و همدلی را نشان از عزمی ملی برای تقویت و حمایت از هنر تئاتر در سراسر کشور دانست و اظهار امیدواری کرد که در سال جاری شاهد شکوفاتر شدن هنر نمایش به‌خصوص در شهرستان‌ها باشیم.

## تئاتر و تلویزیون

پرواز دوباره «فاخته» بر صحنه تئاتر

# دنیا به مثابه یک دیوانه خانه

وصال روحانی



در قیاس با نمایی که از بازی باربر برمی‌خاست اضطراب بیشتری را به بیننده‌های این اثر منتقل می‌کند که منطبق بر کاراکتر پرستار راچر و عین تعریف و توصیف موجود از وی است. آنچه مهم‌ترین و مک‌مورفی می‌شود تقریباً همانی است که دو سال پیش نیز در اجرای قبلی «فاخته» در وست‌اند از او دیده بودیم و البته قدری از قاطعیت آن کاسته شده است. بیننده همیشه حس کرده مک‌مورفی مثل جانوری است که هر قاعده اجتماعی را نفی می‌کند و حتی اگر تمام قواعد را عوض و یک سری را از نو وضع کند، او باز به مخالفت برخواهد خاست اما داستان کیسی در اصل از زرنگی‌های او می‌گوید. مک‌مورفی به این خاطر به دیوانه‌خانه می‌آید که از زیر خلاف و قانون شکنی‌ای که اخیراً صورت داده است فرار کند و با زدن خود به دیوانگی در دادگاه محل محاکمه‌اش، دادستانان را به این نتیجه غلط رسانده است که عقل درست و حسایی ندارد و چون ندارد، بهتر است به جای مجازات و پشت میله‌های زندان به یک بیمارستان روانی برود و آنجا بازسازی شود.

■ **بسکتبال با یک شورش**ی وقتی مک‌مورفی به آنجا وارد می‌شود، باروح آزادی‌خواه‌اش و کاراکتر جالبی که دارد خیلی‌ها را جذب خود می‌کند و از دید سایر بیماران روانی مستقر در آنجا تبدیل به یک شورشی و نماد مقاومت در برابر قواعد بیش از حد خشکی می‌شود که پرستار راچر وضع کرده و پیوسته مشغول اجرای آن است. آن کلیتیک با چنان قواعدی تبدیل به یک پادگان نظامی شده و تنها کسی که می‌تواند آن وضع را بی‌اثر کند مک‌مورفی است. او دیوانه‌هایی را که بسیاری از آنها به پای خود و به‌طور داوطلب به آنجا آمده‌اند به حیاط بزرگ کلیتیک

دیل واسرمن که خود یک نمایشنامه‌نویس معروف است، از روی رمان کن کیسی نوشته و کارگردانی با تری جانسون و تامارا هاروی بوده است و مجموعه توان و ذوق آنان به خوبی به کار گرفته شده است. آنچه کیسی در کنایش گفته و فورمن به طرز بسیار تأثیرگذاری در فیلم سینمایی ۳۱سال پیش خود به تصویر کشیده و امروز در این اجرای جدید تئاتری هم جلوه دارد، فرقی است که قرار است بین سالم‌ها و دیوانگان وجود داشته باشد اما در متن قصه و در رفتار آدم‌ها هرچه بیشتر می‌گردد، آن را کمتر می‌یابید. بدترین وجه قصه این است که بسیاری از این به اصطلاح دیوانگان به اجبار به آنجا نیامده‌اند و خطای بزرگ هم نداشته و به پای خود آمده و به این نتیجه رسیده‌اند که باید درمان شوند. ورود مک‌مورفی به ماجرا دیدگاه همه آنها را عوض می‌کند. کیسی به ما می‌گوید او نماینده و مرد اعزامی سالم‌ها به درون جامعه دیوانگان است اما بلافاصله با زبان بی‌زبانی می‌پرسد که آیا مک‌مورفی دیوانه اصلی نیست و آیا سالم‌هایی که هر روز برای کلاس روانکاری راچر دور او حلقه می‌زنند، سالم‌های اصلی ماجرا نیستند؟ آیا این تیمارستان نماد دنیای کنونی نیست و آیا کیسی و اینک دیل واسرمن نمی‌خواسته‌اند دنیا را به مثابه یک دیوانه‌خانه برای ما بشکافند و ترسیم کنند؟

■ **دنیای لجام‌گسیخته**

آنها می‌گویند که سیستم پرورش انسان‌ها در یک غرب فاقد اصول و لجام‌گسیخته چقدر بی‌رحمانه و دیوانه‌ساز است و چگونه می‌تواند روح بشر را بشکند و از آدم‌هایی که قبل از آمدن به کلینیک سالم بوده‌اند، یک هیولا بسازد. تری جانسون و تامارا هاروی به خاطر ترسیم و اجرای خوب این تم و مطرح کردن هوشیارانه این سئوال‌ها قابل تحسیندند و حیف است اضافه بر بازیگرانی که نام‌شان پیشتر آمد، از اوون اوئیل، براناند دهمسی، گاوین رابرتسون و الکس جیانیی به عنوان دیگر بازیگران موفق نمایش نام ببریم و به تمسجد ا آنها نپردازیم. از همه جالب‌تر دوام و دیرپایی قصه کن کیسی است. وقتی میلوش فورمن در سال ۱۹۷۵ آن فیلم تماشایی را از روی رمان وی ساخت عده‌ای آن را حد کمال تصویرسازی از روی یک قصه به شدت درون‌گرا توصیف کردند و حقیقت نیز چیزی جز این نبود، اما حتی پس از گذشت این همه سال و عوض شدن ایده‌های مردم و ورود به اواسط بهار ۲۰۰۶ این اجرای تئاتری جدید نیز همان‌قدر تأثیرگذار است و تنها کمبودهای بزرگ ماجرا بازی شگرف جک نیکلسون در فیلم سینمایی است که اسلیتر به‌رغم درخشش محسوس‌اش قادر به تکرار آن در نسخه تئاتری نیست و حتی ترک داکلاس مشهور هم در اوایل دهه ۱۹۷۰ با آن برابری نکرده بود. در غیر این صورت پرواز دوباره فاخته همان‌قدر پرشکوه و «به‌روز» و مدرن نشان می‌دهد.

منبع: Herald Tribune

هانس اوتولیزیک درس خوانده و علاوه بر تلویزیون در تئاتر و سینما هم کار کرده است.

■ **خب از خودت بگو.** چند سال است کار بازیگری می‌کنی؟ ۳۶ سالی می‌شود که در این کارم.

■ **به کدام حوزه بیشتر علاقه‌مندی؟**

تئاتر را بیشتر دوست دارم اما نمی‌تار کار کرده‌ام.

■ **بیشترین کارت در کدام بخش بود؟**

بیشتر در سریال‌های تلویزیونی بازی کرده‌ام.

■ **با دیگر عوامل و بازیگران کبری ۱۱ از پیش آشنایی نداشتی؟** چرا. در بعضی تاترها با خانم آندره آشافر هم‌بازی بودیم. هم‌کار بسیار خوبی است. چه در تئاتر و چه در تلویزیون همیشه از همکاری با او راضی بودم. روابط کاری‌مان به خانواده‌هایمان هم گسترش پیدا کرده و رفت و آمدهای خانوادگی داریم.

■ **از شخصیتی که در کبری ۱۱ نقشش را ایفا می‌کنی راضی هستی؟**

بله. شخصیت شوخ و جذابی است.

■ **به خودت هم شباهتی دارد؟**

بی شباهت نیست.

■ **نظر خانواده‌ات درباره این شخصیت چیست؟** دوستشان دارند. آفتندر در عمیق در غلغله‌ای است. بی‌حوصله باشم بچه‌ها شخصیت هرئز برگر را یادآوری‌ام می‌کنند و می‌خواهند مثل او باشم.

■ **از اینکه می‌خواهند شبیه کسی دیگر باشی عصبانی نمی‌شوی یا حسودی نمی‌کنی؟**

نه. اتفاقاً از اینکه توانسته‌ام رل کسی را بازی کنم که گاهی اوقات از خودم هم بهتر و دوست‌داشتنی‌تر است خوشحال می‌شوم و به خودم امیدوار. در این لحظات می‌فهمم که می‌توانم از اینکه در این لحظه هستم بهتر باشم به شرط اینکه بتوانم هیزمان نقش کارگردان را هم برای خودم بازی کنم. ■ **معمولاً بازیگرها بعد از مدتی به کارگردانی روی می‌آورند. تو بعد از این همه سال چنین قصدی نداری؟**

حداقل در حوزه تلویزیون نه.

■ **چرا؟**

اولاً که کارگردانی کاری است متفاوت از بازیگری و دانش و تجربه خاص خودش را می‌طلبد که من ندارم. ثانیاً علاقه چندان‌ی هم به آن ندارم. مگر اینکه کارگردانی نمایش باشد که به دلیل علاقه ویژه‌ام به کار تئاتر بدم نمی‌آید روزی آن سوی صحنه را هم تجربه کنم. ■ **دوست داری پروژه بعدی‌ات چه باشد؟**

دوست دارم بعد از کبری ۱۱ در یکی از نمایش‌های مدرن و کاملاً غیرکلاسیک کار کنم.

■ **تا به حال چنین تجربه‌ای نداشته‌ای؟**

نه، همیشه در کارهای کلاسیک و قدیمی بازی کرده‌ام.

■ **محبوب‌ترین نمایشنامهٔ عمرت را نام ببر.**

«مرگ دستفروش» آرتور میلر.

چهارشنبه ۶ اردیبهشت ۱۳۸۵

تماشا □

نگاهی به فیلم دول استیون اسپیلبرگ

### کامیون مرگ آفرین

عبدالحسین حسام‌زاده



یک موضوع ساده، یک هنرپیشه، یک کامیون غول‌پیکر و یک جاده در دستان سینماگری توانا تبدیل به یک شاهکار سینمایی شده است. دول اولین فیلم اسپیلبرگ است که بعد از ۳۵ سال هنوز هم فیلمی زنده و به شدت نفس‌گیر و هراس‌آور است. بارها گفته شده که با یک سناریوی ضعیف و بی‌محتوای نمی‌توان فیلم‌خوبی ساخت. اسپیلبرگ با فیلم دول درست عکس این عقیده را ثابت کرده است. یک آدم کاملاً معمولی (دنیس ویور) که حتی نام او برای بیننده مجهول می‌ماند (حداقل در نسخه‌ای که مشاهده شد) با یک اوتومبیل معمولی در یکی از ایالات آمریکا قصد دارد از شهری به شهر دیگر سفر کند. در میان راه از یک کامیون غول‌پیکر سبه می‌گیرد، امری که به‌طور معمول در تمام جاده‌ها صورت می‌پذیرد. همین امر بلا‌ی جان او می‌شود، چرا که پس از آن کامیون غول‌پیکر قصد جان او را می‌کند و در یک تعقیب و گریز مرگبار یک دم او را آسوده نمی‌گذارد. در هیچ فیلمی فاجعه‌ماشین این چنین موثر و تکان‌دهنده به تصویر کشیده نشده است.

مسئله اسارت انسان در چنگال مصنوعات دست و ذهن خویش بارها موضوع فیلم‌های فراوانی قرار گرفته است، آن هم با ستارگان فراوان، لوکیشن‌های متعدد و صحنه‌های پرخرج، اما به جرات می‌توان ادعا کرد که حداقل یکی از برجسته‌ترین و درخشان‌ترین فیلم‌هایی که در ارتباط با این موضوع ساخته شده است، همین فیلم دول است که تا جایی که نگازنده به خاطر دارد، نمایش آنچه مورد نظرش بوده است، از شگردهای خاصی بهره گرفته است. مخاطب تا آخر فیلم چهره راننده آن کامیون مرگ‌آفرین را نمی‌بیند. در جایی از فیلم مخاطب از یک نمای نقطه نظر (از دید راننده اوتومبیل) در حالی که راننده کامیون آن سوی کامیون قرار دارد، کشش‌های او را مشاهده می‌کند. راننده اوتومبیل در یک کافه بین راه که کامیون غول‌پیکر کنار آن پارک کرده است، توقف می‌کند تا از شناسایی کند و غایله را به خشم یا خوشرویی فیصله دهد. او در کافه ضمن اینکه سفارش ساندویچ می‌دهد، یک به یک رانندگانی را که در کافه هستند ورنانداز می‌کند. یکی از رانندگان یکی دو بار راننده اوتومبیل را به گونه‌ای نگاه می‌کند که تماشاگر تقریباً یقین پیدا می‌کند که او راننده همان کامیون غول‌پیکر است. جالب اینکه او وقتی از کافه خارج می‌شود به طرف همان کامیون می‌رود، اما از آن عبور می‌کند و پس از چند لحظه با یک وانت از پشت کامیون بیرون می‌آید و راه خود را در پیش می‌گیرد. در این سکانس اسپیلبرگ موفق می‌شود یک سوپسپانس بسیار ظریفی را به چیره‌دستی به نمایش بگذارد. فی‌الواقع هدف اسپیلبرگ در این سکانس استانداردانه صرفاً عرضه یک لحظه تعلیق نبوده است، بلکه نیت او کاربردی درماندگی در ارتباط با تم فیلم بوده است. راننده اوتومبیل گرچه به راننده دیگری ظنین می‌شود و او می‌خواهد که به این بازی خطرناک خاتمه دهد. این راننده ابتدا اظهار بی‌اطلاعی می‌کند، اما چون با سماعت راننده اوتومبیل مواجه می‌شود، او را زیر مشت و لگد می‌گیرد! اینکه اسپیلبرگ تا خاتمه راننده کامیون را به مخاطب نشان نمی‌دهد، از مقتضیات چنین فیلمی است، چرا که در واقع شخصیت اصلی فیلم همان کامیون مرگ‌آفرین است. در سکانس دیگری که راننده اوتومبیل کنار یک پمپ بنزین که متعلق به یک پیرزن است، می‌ایستد تا پلیس را از سوءقصد کامیون نسبت به خود مطلع کند. در ادامه می‌بینیم که تعدادی جانور که تنها مؤس این پیرزن هستند از گزند و آسیب و کامیون درمانان نمی‌مانند! در آن سکانسی که اوتومبیل در کمرسخت کوه موتورش داغ می‌شود و دم به دم از سرعت آن کاسته می‌شود و فاصله کامیون لحظه به لحظه به آن نزدیک‌تر می‌شود، اسپیلبرگ موفق می‌شود یکی از نفس‌گیرترین و هول‌انگیزترین سکانس‌های سینمایی را خلق کند، یعنی از کودکی تا مرگ فردوسی می‌پردازد. سال ۱۹۷۱ است. در خاتمه راننده اوتومبیل با ترفندی که به کار می‌برد موفق می‌شود کامیون غول‌پیکر را در دره‌ای به سقوط بکشانند. سقوط کامیون به دره، چنان ماهرانه دکوپاژ شده‌است که گویی اژدهای عظیم‌الجثه از فراز کوهی به دره‌ای عمیق در غلغله‌ای است. این فیلم دوشنبه ۸/۲۸ و ۸/۲۵ به مدت ۶۵ دقیقه از شبکه سه سیما پخش شد.

### دوبله چهل سرباز



مریم شیرزاد مدیریت دوبلاژ سریال «چهل سرباز» را بر عهده گرفته است. سریال «چهل سرباز» شاهنامه شاهکار حکیم ابوالقاسم فردوسی را در سینما و تلویزیون تصویر کرده است و به زندگانی ابن حکیم به دلیل علاقه ویژه‌ام به کار تئاتر بدم نمی‌آید روزی آن سوی صحنه را هم تجربه کنم. ■ **دوست داری پروژه بعدی‌ات چه باشد؟**

دوست دارم بعد از کبری ۱۱ در یکی از نمایش‌های مدرن و کاملاً غیرکلاسیک کار کنم.

■ **تا به حال چنین تجربه‌ای نداشته‌ای؟**

نه، همیشه در کارهای کلاسیک و قدیمی بازی کرده‌ام.

■ **محبوب‌ترین نمایشنامهٔ عمرت را نام ببر.**

«مرگ دستفروش» آرتور میلر.

